



تحلیل بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک با استناد به تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فر کلاف

سمانه سراج^۱، سید رضا حسینی^{۲*}

^۱ دانشجوی دکتری پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

^۲ دانشیار، گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۱/۰۸، پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹

چکیده

این مقاله در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به مطالعه تحلیل روایت عاشورا کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک می‌پردازد که زبان تجسمی را به مثابه شکلی از کنش اجتماعی در نظر می‌گیرد و می‌کوشد زیربناهای ایدئولوژیک گفتمان عاشورا بر گرفته از مقتل ابومخنف را که بر اثر مرور زمان طبیعی شده و تغییر ساختار یافته را آشکار کند. تعامل این رویکرد در تحلیل کاشی‌نگاره، زمینه جدیدی را به وجود می‌آورد که در آن، فرآیند تغییر ساختار متن مبدأ و متن مقصد می‌تواند با نگاهی نو مورد تحلیل قرار گیرد. هدف از این پژوهش، تحلیل عوامل مؤثر در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت عاشورا با توجه به مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک و شناخت گفتمان‌های مؤثر در تغییر ساختار روایت عاشورا خواهد بود. این پژوهش در صدد یافتن پاسخ به این سؤالات است: عوامل تأثیرگذار در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک کدام‌اند؟ بر اساس نظریه گفتمان انتقادی فر کلاف تغییر چه گفتمان‌هایی منجر به تغییر ساختارهای این روایت شده است؟ روش پژوهش، تحلیل محتوای انتقادی و از نوع پژوهش‌های کیفی است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش، مشاهده و ابزار پویسگری نوین است. نتایج نشان می‌دهد که مسائلی مانند برخورد احساسی و عاطفی با بازتولید روایت و یا حتی ایدئولوژی‌های سیاسی خاص دوران قاجار، استفاده ابزاری و مادی از این روایت، وجود مستمعینی (هنرمند) بدون تعقل و تفحص، موجب تغییر ساختار این روایت شد. هرگونه تغییر، تبدیل، انتخاب واژگانی و دستوری، جاافتادگی و سهوالقلمی را می‌توان ایدئولوژیک تلقی کرد، که در آن ساختارهای روابط قدرت و عوامل فرهنگی و اجتماعی قابل مشاهده است.

واژگان کلیدی

روایت عاشورا، مقتل ابومخنف، کاشی‌نگاره، تکیه معاون‌الملک، نورمن فر کلاف

استناد: حسینی، سیدرضا؛ سراج، سمانه (۱۴۰۲)، تحلیل بازتولید روایت عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک با استناد به تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فر کلاف، رهپویه هنرهای تجسمی، (۴۷)، ۳۱-۴۳، doi: 10.22034/ra.2024.2015473.1413

* نویسنده مسئول: تلفن: ۰۲۱۵۱۲۱۲۵۰۰، E-mail: rz.hosseini@shahed.ac.ir



مقدمه

تاریخ تحلیل اندیشه شیعی در هنر نشان می‌دهد که بازتولید تصویری عناصر شیعی که ترکیبی از اعتقادات، باورها، اسطوره‌ها و حوادث تاریخی شیعیان است، به مثابه ابزار تبادل اندیشه‌های بشری تأثیرگذار بوده است. این تأثیرات به‌ویژه در روایت‌عاشورا که نقطه عطفی در تعامل فرهنگ و اندیشه شیعی در جامعه قاجار بود در راستای بیداری و روشن‌سازی افکار در سراسر جهان، هم‌چون شکلی از کنش اجتماعی همواره مورد توجه قرار گرفت؛ اما همانند دیگر ابعاد اجتماعی، بازتولید تصویری این روایت به‌ویژه در کاشی‌نگاره اماکن مذهبی چون تکیه معاون‌الملک، با توجه به قدرت و ایدئولوژی جامعه، بر اثر مرور زمان طبیعی جلوه داده شد و موجب تغییر در ساختار آن شد. از آنجاکه بازتولید روایت‌عاشورا از کتاب‌های معتبر تاریخی، برگرفته از روایت ابومخنف است و اولین مقتل‌عاشورا است در این پژوهش به‌عنوان متن مبدأ مورد مطالعه قرار خواهد گرفت. به نظر می‌رسد بازتولید تصویری کاشی‌نگاره‌عاشورا تکیه معاون‌الملک که به‌عنوان متن مقصد مورد تحلیل قرار می‌گیرد، فعالیت ذهنی است که آگاهانه به گونه‌ای متأثر از جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک جامعه بر هنرمند تصویرگری شده باشد. از این رو رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی باتوجه به آراء فرکلاف، نگاهی منتقدانه و نو به بازتولید تصویری روایت‌عاشورا کاشی‌نگاره با توجه به مقتل ابومخنف، به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، خواهد بود که در نمایان شدن مواضع ایدئولوژیک جامعه بر این کاشی‌نگاره و کمک برای به‌دست آوردن چارچوبی متمرکز و روشمند، براساس سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین؛ مورد تحلیل قرار گرفت. هدف پژوهش، تحلیل عوامل مؤثر در تغییر ساختار و فرآیند بازتولید روایت‌عاشورا باتوجه به مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک و شناخت گفتمان‌های مؤثر در تغییر ساختار روایت‌عاشورا خواهد بود. این پژوهش در صدد یافتن پاسخ به این سؤالات است: عوامل تأثیرگذار در تغییر ساختار و فرایند بازتولید روایت‌عاشورا از مقتل ابومخنف در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک کدامند؟ براساس نظریه تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تغییر چه گفتمان‌هایی منجر به تغییر ساختارهای روایت شده است؟ ضرورت انجام این پژوهش از آن جهت است که تحولات مضامین مهمی چون عاشورا در اندیشه شیعی می‌تواند به تأثیر از برخی جریان‌های سیاسی و اجتماعی و نیز تحولات حکومتی به وقوع پیوسته باشد و چه‌بسا دچار انحرافات در مضمون اصلی شود. کسب شناخت در این زمینه منجر به افزایش آگاهی و ایجاد درکی عمیق‌تر نسبت به این روایت خواهد شد. از آنجاکه پژوهشگران و هنرمندان بسیاری سعی در بازتولید این روایت دارند، در چنین فضایی، توجه به تغییرات به وجود آمده در این روایت ضروری به نظر می‌رسد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی تحلیلی بر مبنای تحلیل محتوای انتقادی است. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش، مشاهده و ابزار پویشگری نوین است. جامعه هدف، یک کاشی‌نگاره روایت‌عاشورا از کل دوازده کاشی‌نگاره زینیه تکیه معاون‌الملک انتخاب شده است. شیوه تجزیه و تحلیل یافته‌ها با توجه به آراء سه‌سطحی فرکلاف بررسی شده است.

پیشینه پژوهش

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد اغلب پژوهش‌های انجام شده در حوزه تخصصی هنر با توجه به عنوان این پژوهش: فرایند تغییرات در بازتولید روایت‌عاشورا در کاشی‌نگاره‌ی تکیه معاون‌الملک با تأکید بر زبان روایت مبدأ که مقتل ابومخنف در نظر گرفته شده، با استناد به رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف، به بررسی ارتباط نقش و قابلیت‌های اندیشه شیعی به‌ویژه عاشورایی در انتخاب فرم و رنگ در کاشی‌نگاره و ارتباط جامعه بر این انتخاب موجود پرداخته‌اند؛ اما از منظر روش‌شناختی در دو بعد استناد به رویکرد تحلیل گفتمان فرکلاف و توجه به ریشه‌شناسی تاریخی این روایت برگرفته از مقتل ابومخنف پژوهش منطبق با پژوهش پیش‌رو، صورت نگرفته است. لذا پژوهش حاضر سعی دارد تا به نحوی روش‌مند مسئله تغییر و تحول در بازتولید ساختار روایت‌عاشورا را مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهد که وجه افتراق این پژوهش با تحقیقات انجام شده، خواهد بود. پژوهش‌های هم‌راستا با این پژوهش، در سده‌های اصلی قابل تقسیم‌بندی هستند. دسته اول با محوریت مطالعات تخصصی کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک: آتنا شیرزادی و دیگران در مقاله ارتباط موضوع و رنگ در کاشی‌نگاره‌های عاشورایی تکیه معاون‌الملک، (۱۴۰۰)، نگره، شماره ۵۷، باهدف تبیین تأثیر موضوع بر انتخاب رنگ، کاشی‌نگاره‌ها را در تکیه معاون‌الملک با رویکردی ترکیبی (کمی، کیفی) و روش تحلیلی مورد بررسی قرار داده‌اند. براساس یافته‌های این پژوهش موضوع عاشورا نقش تأثیرگذاری بر انتخاب رنگ در کاشی‌نگاره‌های عاشورایی تکیه معاون‌الملک دارد. نسترن نوروزی در مقاله خوانش جامعه‌شناختی مضامین کاشی‌های تکیه معاون‌الملک، (۱۳۹۶)، جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، شماره ۲، باهدف ارزیابی ارتباط زمینه و بستر اجتماعی و شکل‌گیری اثر هنری، اغلب مضامین تصویر شده بر کاشی‌های تکیه معاون‌الملک، در پی تحولات دوره قاجار و فرایند مدرن شدن، ارتباط گسترده با اروپا، ورود فناوری‌های جدید و شرایط سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه شکل گرفته‌اند از این رو بازتابی از جامعه خویش‌اند. دسته دوم با محوریت مطالعات روش‌شناختی (رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف): سیدمحمد رحیم ربانی‌زاده، سیدحسام محمدزاده در مقاله نقد کتاب تحول گفتمانی در گزارش واقعه کربلا با رویکرد گفتمانی لاکلا و موفه، (۱۳۹۹)، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، شماره ۷۷، باهدف اعتبارسنجی گفتمان‌های مورد بررسی و نادیده گرفتن بحث قدرت در بازتولید این روایت پرداخته‌اند. دسته سوم با محوریت: مطالعات تخصصی علوم دینی در زمینه روایت عاشورا و مقتل ابومخنف: حمیدرضا جدیدی در بررسی نقش روضه‌الشهدای کاشفی در گسترش تحریفات تاریخ‌عاشورا، (۱۳۹۹)، تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، شماره ۴۷، به بررسی انواع تحریف در واقعه‌عاشورا و بررسی دلایل ورود مجعولات و تحریفات تاریخی در بافت مطالعاتی دوره تیموری می‌پردازد. محمدهادی یوسفی‌غروی در کتاب وقعه‌الطف بازسازی مقتل ابومخنف، (۱۳۸۰)، نشر موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، به بررسی و گردآوری

قرار می‌دهد (Mazid, 2014: 1-435). در الگوی فر کلاف متن مورد نظر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌شود (فر کلاف، ۱۳۷۹: ۱۶۷). فر کلاف تمایزی بین سه مرحله تحلیل گفتمان انتقادی خود: در سطح توصیف متن، سطح تفسیر: رابطه‌ای بین متن و تعامل، سطح تبیین: رابطه‌ای بین تعامل و بافت اجتماعی قائل می‌شود. فر کلاف در الگوی خود سطح توصیف را پیش‌فرض دوسطح دیگر می‌داند. در سطح توصیف چند نمونه از عناصر موجود در ساختارهای گفتمان مدار همانند: گزینش‌های واژگانی و تحلیل ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای، بیانی، تحلیل روابط معنایی در گزینش عناصر، رابطه عاملیت نحوی (انتخاب صیغه معلوم و مجهول)، فرایند اسم‌سازی، بازنمایی استعاره‌ای امور واقع، نحوه گزینش از سیستم وجه، مورد تحلیل قرار می‌گیرند (Fairclough, 1985: 739-763). سه ارزش: تجربه‌ای، رابطه‌ای، بیانی در سطح توصیف بازتولید روایت عاشورا در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در این روش که ملهم از الگوی فر کلاف است، ابتدا به بازنمایی ساختارهای گفتمان مدار روایت عاشورا کاشی‌نگاره و سپس توصیف آن‌ها بر اساس الگوی فر کلاف می‌پردازیم. بعد تجربی که در الگوی فر کلاف بیشتر مدنظر قرار گرفته این است که به چه صورت تفاوت‌های ایدئولوژیک بین متن مقتل ابومخنف و کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک، در بازتولیدهای مختلفی که از دنیای زمان خود ارائه می‌دهند در عناصر و واژگان آن دو رمزگذاری شده است. این تفاوت‌ها بین این دو متن بررسی می‌شود. به دلیل حجم شدن مطالب و محدودیت پژوهش، از ذکر تمامی گفتمان‌های عاشورا خودداری کرده و تنها به گفتمان حضرت عباس بسنده می‌کنیم. در تحلیل توصیفی ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی گزینش عناصر به این پرسش پاسخ داده می‌شود که آیا سرنخی از تجربه هنرمند از جهان طبیعی یا اجتماعی بازنمایی شده است؟ چرا که ارزش تجربی با محتوا، دانش، اعتقادات در گیر می‌شود. جهت تفسیر متن مقصد، تلفیقی از زبان تجسمی واقعه عاشورا و دانش پژوهشی مفسر نسبت به متن مبدأ در نظر گرفته شده است. در سطح تفسیر، رابطه‌ای بین متن مقصد و تعامل اجتماعی مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سه عمل اجتماعی تحت عنوان: مضامین، روابط و فاعلان، توسط گفتمان شیعی محدود شده است. تأثیر این محدودیت بر آگاهی، اعتقادات، مناسبات اجتماعی و در نهایت هویت اجتماعی خود را نشان می‌دهد. طبق باور فر کلاف برای تحلیل این تأثیرات باید از سطح توصیف فراتر رفت. چرا که رابطه متن مقصد و شرایط اجتماعی دوران قاجار رابطه‌ای غیر مستقیم است. متن مقصد بخشی از گفتمانی است که در جریان تعامل اجتماعی به وجود آمده است. شرایط خلق متن مقصد بر اساس پیش‌فرض‌های مبتنی بر عقل سلیم (درک عامه)، ارزش‌های ویژه‌ای را شامل شده که نسبت با متن مبدأ تغییر یافته است. این تغییرات در گفتمان حاضر به حالتی واقع‌بینانه درمی‌آید و مقبول توده مردم می‌شود. سطح تفسیر در دوسطح: بافت موقعیتی گفتمان حضرت عباس و رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت، تحلیل می‌شود. هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرآیند اجتماعی است؛ فر کلاف تبیین گفتمان را به عنوان کنشی اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند؛ همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها می‌توانند چه نوعی از تأثیرات

مقتل‌الحسین/ابومخنف می‌پردازد. نویسنده با استناد به چهار کتاب تاریخی معتبر شروع به بازبینی مجدد می‌کند تا نوشته‌های ارزشمند ابومخنف را از تحریفات مجعول‌الهی به حفظ کند. از آنجا که این بازبینی معتبر و مورد تأیید اندیشمندان است به صورت زبان مبدأ در این پژوهش در نظر گرفته شده است.

مبانی نظری پژوهش

گفتمان و تحلیل گفتمان انتقادی

تannen^۱، استابز^۲ و تورن بارو^۳، معتقدند که گفتمان و تحلیل گفتمان تعریف وسیعی دارد و نمی‌توان تعریف جامعی از آن ارائه داد (Stubbs, Thornborrow, & Tannen, 1993: 1-263 & (1983: 1-272). اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف زلیک هریس^۴ به کار رفته است. وی در این مقاله با ارائه بعدی صورت‌گرایانه از جمله، تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه و ساختار گرایانه به جمله و متن به حساب می‌آورد. بعد از هریس بسیاری از زبان‌شناسان تحلیل گفتمان را نقطه‌ای مقابل تحلیل متن دانستند. بنابر رویکرد جدید (غیر سنتی) تحلیل گفتمان، مطالعه شرایط اجتماعی و فرهنگی که متن تحت تأثیر آن‌ها تولید می‌شود را در کنار مطالعه خود متن بررسی می‌کند و هدف آن بررسی زمینه (بافت) سیاسی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و شناختی کاربرد زبان؛ چگونگی تأثیر ارتباطات بر محتوا، معانی، ساختارها یا استراتژی‌های متن و تأثیر گفتمان بر شکل‌گیری ساختارها و بسترهای مورد نظر است (Gee & Green, 1998: 119-169). تحلیل گفتمان انتقادی، نحوه‌ی استفاده‌ی غیرمشروع از قدرت جمعی، سلطه و عدم مساوات، که از طریق نوشتار و گفتار در بافت اجتماعی و سیاسی خاصی به وجود می‌آید و یا در برابر آن ایستادگی می‌شود را بررسی می‌کند. در این تحلیل مسائلی چون چگونگی تشکیل روابط اجتماعی، هویت، دانش و قدرت از طریق متون نوشتاری و گفتاری یا اینکه نهادهای اجتماعی از طریق گفتمان چگونه شکل می‌گیرند، از مباحث اصلی تحلیل گفتمان انتقادی به‌شمار می‌روند. تحلیل گفتمان انتقادی به تبیین روابط میان گفتمان و قدرت اجتماعی می‌پردازد؛ تا چگونگی سوء استفاده نوشتار و گفتار گروه‌ها و نهادهای مسلط از قدرت را در جهت مشروعیت‌دادن به آن بررسی کند (Van Dijk, 1993: 249-283). در حوزه‌ی تحلیل گفتمان انتقادی، برخی از پژوهشگران مانند ون دایک^۵، فر کلاف^۶، ون لیوون و ووداک^۷، به منظور تعیین شاخصه‌های گفتمان مدار و تحلیل متن، به معرفی الگوی خود پرداختند (Van Dijk, 1993: 249-283 & (Wodak, 2011: 193-217 & (Fairclough, 1992: 277-292 & (Van Leeuwen, 2009: 50-70). از آن میان نورمن فر کلاف، از برجسته‌ترین اندیشمندان در این زمینه است (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۰). فر کلاف به بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی با توجه به فرآیندهای ایدئولوژیک موجود در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، نابرابری در گفتمان توجه می‌کند و عناصر زبانی و غیرزبانی (تصویری) را به همراه دانش زمینه‌ای فاعلان، هدف و موضوع مطالعه خود



دستیارانش تزئین شده است (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۱۳۸). معاون الملک (۱۳۰۷) با وقف تکیه برای عزاداری ارادت خود را نسبت به ائمه معصومین (ع) نشان داد (شهبازی و شهبازی، ۱۳۸۶: ۵۱-۴۶). این بنای کم نظیر از سه بخش اصلی حسینیه، زینبیه و عباسیه تشکیل شده است که بیشترین تعداد تابلوهای مرتبط با عناصر اندیشه شیعی در بخش زینبیه قرار گرفته است. مقبره معاون الملک در زینبیه، مرکزی ترین قسمت و تنها فضای گنبددار تکیه قرار گرفته است.

تحلیل داده‌ها سطح توصیف: تحلیل رمز گذاری باز تولید روایت عاشورا (متن مقصد) نسبت به (متن مبدأ)

با استناد به رویکرد فرکلاف در گزینش‌های واژگانی، شاهد واژه سازی افراطی هستیم (Frawley, 1993: 1-259). ساختار متن مقصد با توجه به بعدی از واقعیت می تواند نشانگر این مطلب باشد که اینجا مرکز مبارزه ای ایدئولوژیک است؛ در نتیجه همه گونه باز تولید در انتقال پیام و جان مایه متن مبدأ به متن مقصد تأثیر گذار بوده تا جایی که منجر به تغییر پیام و جان مایه اصلی متن مبدأ شده است (تصویر ۱). زبان (نوشتاری و تصویری) و متن (مبدأ و مقصد) نمودهایی از پیام اجتماعی-سیاسی و اخلاقی و روابط قدرت هستند. در امر باز تولید، نگاه کلی بر یک متن برای هنرمند این امکان را فراهم ساخته تا عوامل فرا زبانی را چون: عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی براساس بافت زبان مقصد دخالت دهد. فرکلاف اعتقاد دارد کنش های زبانی با توجه به روانی، کارایی و تأثیر اجتماعی ارزیابی می شوند. این یعنی ایدئولوژی ابزار زبان، به مثابه ابزاری برای انجام دادن است (Fairclough, 2003: 1-288). حذف عبارات و جمله ها و یا تغییر آن ها در انتقال کل پیام تأثیر گذار خواهد بود (جدول ۱).

باز تولیدی را بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می شوند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۵). برای درک بهتر سطح تبیین در دو سطح باز تولید گفتمان حضرت عباس و رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت به تحلیل تبیین کاشی نگاره می پردازیم. ساختارهای گفتمان مدار در این پژوهش ساختارهایی جامعه شناسانه و زبان شناسانه هستند که استفاده یا عدم استفاده از آن ها و یا تغییر و تحول آن ها به شکلی دیگر در گفته یا متن موجب می شود که از آن متن برداشت های متفاوتی صورت بگیرد، موضوعی پنهان و مبهم گردد یا بالعکس موضوع برجسته و واضح گردد یا قسمتی برجسته و قسمتی در حاشیه قرار گیرد (یار محمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۴-۱۶۶). با بررسی این ساخت های گفتمان مدار در کاشی نگاره، عناصر تصویری تا میزان صراحت و پوشیدگی عناصر نسبت به زبان مبدأ آبومخفف مورد مطالعه قرار گرفته است.

تکیه معاون الملک کرمانشاه

یکی از نمونه های معماری مذهبی دوران قاجار تکیه معاون الملک کرمانشاه است. حسن خان آلیانی (معین الرعایا از طرف مظفرالدین شاه) بانی بنا (۱۲۸۱) تکیه را از لحاظ سیاسی، مکانی برای رفع اختلافات اجتماعی در نظر گرفت. بعد از کشته شدن معین الرعایا، برادرش معاون الملک ضمن مرمت و بازسازی بنا، در زمان احمدشاه (۱۲۹۶)، شروع به ساخت دوبنای زینبیه و عباسیه کرد. حسن خان معاون الملک از کاشی به جای نقاشی و گچ بری، که از استحکام بیشتری برخوردار است، استفاده کرد (مهدی آبادی و خدیوی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). کاشی کاری های این تکیه، جزء شاهکارهای کاشی کاری دوران قاجار با مضمون مذهبی است (پنجی بانی و فرهد، ۱۳۹۴: ۱۶). این بنا با هنرنمایی استاد حسن تهرانی و چهارتن از



تصویر ۱. کاشی نگاره ظهر عاشورا، ۱۲۹۶، زینبیه، تکیه معاون الملک، ۳۲۰×۲۸۰ سانتی متر، کرمانشاه.



جدول ۱. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، گزینش عناصر تصویری متن مقصد باتوجه به متن مبدأ، تکیه معاون‌الملک.

متن مبدأ	متن مقصد
مقتل ابومخنف. منج: (یوسفی غروی، ۱۸۲: ۱۳۸۰-۱۸۳)	کاشی‌نگاره ظهر عاشورا، تکیه معاون‌الملک
«تشنگی حسین (ع) شدت یافته بود»	واژه «تشنگی» در خط اول متن ابومخنف، در ابتدای اول گفتمان حضرت عباس، در ارتباط با امام حسین (ع) به کار برده شده که معنایش بسیار آشکار است. برای انتخاب عنصر تصویری مناسب با این واژه گفتمان مدار، اشاره استعاری تصویری لحاظ نشده است. در جایگزین کردن که جهت آن از زبان نوشتاری فارسی به عناصر تصویری کاشی‌نگاره است، اصطلاحات، استعاره‌ها و هر یک باید به عنوان یک واحد پیام یا معنا در نظر گرفته شود. آنچه برای بازتولید- هنرمند با ارزش است، حفظ ارزش پیام یا معنای استعاری آن واحداست. پس برای این واژه در فارسی، جایگزین تصویری انتخاب نشده است. یکی از وظایف هنرمند حفظ ارزش‌های تجربی متن مبدأ در متن مقصد است؛ زیرا با حفظ ارزش‌ها پیام متن مبدأ و ارزش تجربی آن به انتخاب درست و ارزش تجربی مناسبی در متن مقصد برگردانده خواهد شد. (تصویر ۱)
«از این رو قصد فرات را نمود»	واژه گفتمان مدار بعدی «فرات» است که رودی است شناخته شده در بین مردم. برای انتخاب جایگزین تصویری مناسب این واژه، نه اشاره تصویری مستقیم و نه اشاره استعاری مفهوم لحاظ نشده است.
«در حالی که برادرش عباس پیش رویش حرکت می‌کرد»	 واژه گفتمان مدار بعد «پیش رو بودن حضرت عباس» نسبت به امام حسین است. هنرمند در انتخاب عنصر تصویری، با قرار دادن تصویر حضرت عباس جلوی تصویر امام حسین، اما نه در شرایط ایستایی بلکه در شرایط شهادت ایشان، توانسته بار تحت‌اللفظی این اصطلاح را رعایت کند اما نه در جایگاهش. (تصویر ۱)
«در همین حال سپاه ابن سعد- که لعنت خدا بر او باد- به او حمله‌ور شد»	 واژه گفتمان مدار دیگر «حمله» کردن سپاه ابن سعد به سمت امام حسین است. هنرمند جایگزین تصویری مناسبی، برای حمله‌ور شدن سپاه ابن سعد انتخاب نکرده است. جایگزین تصویری واژه «سپاه ابن سعد» فقط بدون هیچ حرکتی، انتخاب شده است. بار استعاری این انتخاب اشاره به قدرت و شرایط مناسب جایگاه سپاه ابن سعد نسبت به امام حسین است اما اشاره‌ای به حضرت ابوالفضل در نقش سقا، نه تنها در متن مبدأ، بلکه در متن مقصد هم نشده است. (تصویر ۱)
«مردی از بنی دارم ارمیانشان به آن‌ها گفت: وای بر شما بین او و فرات حائل شوید و اجازه ندهید به آب دست پیدا کند»	 واژه گفتمان مدار دیگر «مردی از بنی دارم» و «در میانشان» است. ابومخنف اشاره به مردی می‌کند که نقش پررنگی در فاصله انداختن بین امام حسین و فرات، داشت. شناختی که ابومخنف از این مرد می‌دهد نقش منفی او در سپاه ابن سعد است و از هیچ توصیف دیگری در قالب واژگان استفاده نمی‌کند. هنرمند برای انتخاب عنصر مناسب تصویری، مردی سوار بر اسب اما پشت به امام و حضرت عباس به تصویر کشیده است. جهت منفی مرد سوار، استعاره‌ای از نقش منفی این مرد است. این مرد در میانه سپاه قرار گرفته است. انتخاب هنرمند در جایگزین مناسب جایگاه این مرد به گونه‌ای دیگر بوده و نه تنها در میانه سپاه این مرد را نکشیده بلکه جدای از سپاه و در رأس سپاه قرار داده است. (تصویر ۱)
«حسین (ع) فرمود: بار الها او را به تشنگی گرفتار کن. مرد دارمی خشمگین گردید و تیری به سوی او پرتاب کرد و آن را در چانه‌اش نشاند، حسین تیر را بیرون کشیده و دستش را زیر چانه‌اش گرفت، کف دودستش پراز خون شده، آن را ریخت»	هنرمند جایگزین تصویری برای این واژگان در نظر نگرفته است
«و فرمود: خدایا از آنچه با پسر دختر پیامبرت رفتار می‌شود نزد تو شکایت می‌کنم»	هنرمند جایگزین تصویری برای این واژگان در نظر نگرفته است.
«در حالی که تشنگی‌اش بیشتر شده بود به جایگاهش بازگشت»	هنرمند بازگشت امام حسین به جایگاهش را در نظر نگرفته است. بلکه برخلاف متن مبدأ در همان حال ایشان را نگه داشته است. آنچه از این نوع جایگزینی عناصر تصویری می‌توان به دست آورد آن است که هر واژه با واژه متضادش جایگزین شده و با بقیه عناصر تصویری روابط معنایی جدیدی برقرار کرده است. بدین ترتیب معنای آن از معنای متن مبدأ دور گشته است. اگر هنرمند بدون در نظر گرفتن واژه‌های متن مبدأ اقدام به بازتولید عناصر بامعنایی جدیدی کند، انسجام معنایی متن نیز به هم می‌ریزد و بازتولیدی نامطلوب حاصل می‌گردد؛ اما می‌توان تغییر ساختار واژه متن مبدأ به بازتولید متن مقصد را به نوعی، انتقال نیت هنرمند نسبت به اهداف اخلاقی متأثر از شرایط اجتماعی و سیاسی دوران دانست.
«این در حالی که بود که سپاه عمر بن سعد عباس را محاصره کرده و بین او و حسین (ع) فاصله انداخته بودند به طوری که عباس از آن پس به تنهایی با آن‌ها می‌جنگید تا کشته شد- رضوان خدا بر او باد»	 هنرمند جایگزین تصویری مناسبی برای واژه محاصره کردن حضرت عباس در نظر نگرفته است. فاصله انداختن بین امام حسین و حضرت عباس در این بازتولید تصویری در نظر گرفته نشده است؛ بلکه هنرمند خلاف این واژگان را جایگزین مناسب‌تری دانسته و حضرت عباس را در آغوش امام حسین، جایگزین مناسب دانسته است. در نتیجه با بررسی این بازتولید تصویری با توجه به متن مبدأ، با استفاده از اصول و مفاهیم زبان به مثابه تحلیل گفتمان انتقادی می‌توان گفت که بازتولید روایت عاشورا کاشی‌نگاره در انتقال واژگان مورد بحث متفاوت عمل کرده است که به نوعی بر بازتولید اندیشه پنهان در ایدئولوژیک خاص دو دوران آن واقعیت بزرگ مبتنی است. (تصویر ۱)
«عباس بعد از اینکه زخم‌های فراوانی بر او وارد گردیده، به طوری که از پای درآمده و توان حرکت نداشت، به دست زید ابن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سنبسی به قتل رسید»	هنرمند در جایگزین قرار دادن واژگانی چون از پای در آمدن حضرت عباس موفق عمل کرده است. طوری که با به تصویر درآوردن مورب پیکره حضرت عباس در حال شهادت در آغوش امام، می‌خواسته القای بار استعاری از پای در آمدن نشان دهد ولی این بار با تغییر واژگان به قتل رسیدن ایشان توسط دو نفر، ترجیح داده این شهادت را در آغوش امام شیرین جلوه دهد و اشاره‌ای به قاتلان ایشان نشده است.



تحلیل توصیفی ارزش‌های تجربی، رابطه‌ای و بیانی در گزینش عناصر

متن مقتل ابومخنف شیوه‌های تجربی را از دیدگاه راویان نزدیک به عاشورا در قالب عبارت‌بندی: اعتراض جویانه، لعن و نفرین گرایانه در مقابل «دعاگرایانه» آن‌هم به مقدار ناچیز قرار داده است (Fairclough, 2001: 140-170). برای مثال: لعنت و رضوان به ترتیب تعلق به چارچوب‌های ایدئولوژیک، متفاوتی دارند. این چنین هم‌نشینی کلمات در یک متن، نوع ایدئولوژی خاصی به متن می‌دهد. در حالی که در متن مقصد، نوعی هم‌نشینی عناصری چون: در آغوش امام قرار گرفتن، جدانشدن در تقابل با عناصر دیگری چون جدانشدن دودست حضرت عباس، در آمدن کلاه خود، ضربت شمشیر بر فرق پیشانی ایشان، به تصویرنکشیدن تیری بر چانه امام، نبودن فرات؛ همه منجر به طرح ایدئولوژی مسلطی بر طبقه‌بندی رفتار به دست می‌دهد. واژه‌سازی افراطی در کاشی‌نگاره نشان از شیفتگی به جنبه‌ای از واقعیت است که در جهت نشان دادن کانون مبارزهای ایدئولوژیک می‌باشد (Fairclough, 2001: 158-160). این کاشی‌نگاره ممکن است مستقیماً از روابط معنایی موجود در گفتمان خاصی بهره‌برده باشد. ارزش رابطه‌ای با رابطه‌ها و روابط اجتماعی سروکار دارد که از طریق کاشی‌نگاره در گفتمان به اجرا درآمده است (Fairclough, 2001: 235-243). در این کاشی‌نگاره از نظر ساختاری و توصیفی متن مبدأ از ارتباط امام حسین و حضرت عباس با لشکریان یزید، می‌توان به نوعی از ایدئولوژی مختلف در دو متن پی برد که در قالب عناصر تصویری کاشی‌نگاره تجلی یافته است. نحوه ساختار یافتگی عناصر، ارزش رابطه‌ای بین شخصیت‌ها و حتی منظور و نیت کاشی‌نگار از نحوه بازتولید و ترکیب آن‌ها را نشان می‌دهد. این رابطه هم‌معنایی در هیچ کدام از گفتمان‌ها هم‌معنا نیست. متن مقصد مستقیماً از روابط معنایی ایجاد شده در گفتمان خاصی استفاده کرده است. روابط معنایی به وجود آمده در گفتمان مقصد را می‌توان مرتبط با ایدئولوژی خاص دوران قاجار دانست؛ چه این ایدئولوژی در بستر نوع خاصی از گفتمان قرار گرفته باشد و چه به صورت خلاقانه در کاشی‌نگاره به وجود آمده باشد. ارزش بیانی با فاعل‌ها و هویت‌های اجتماعی سروکار دارد (Fairclough, 2013: 243-254). در تحلیل ارزش بیانی سرخ‌ی از ارزشیابی هنرمند نسبت به بخشی از واقعیت مرتبط، ارائه می‌شود. نمونه‌هایی از ارزشیابی منفی نویسنده از اعمال توصیف شده در جملات متن مبدأ همچون: «لعنت خدا بر او باد»، «بار الها او را به تشنگی گرفتار کن»، «خدایا از آنچه با پسر دختر پیامبر رفتار می‌شود نزد تو شکایت می‌کنم»، «اجازه ندهید به آب دست پیدا کند» و نمونه‌هایی از ارزش بیانی مثبت همانند: «رضوان خدا بر او باد». این گونه تضادها منجر به برخوردی بین ارزش‌های بیانی می‌شود. نمونه ارزش بیانی منفی در متن مقصد شامل: «در نظر گرفتن جایگاه امام حسین و حضرت عباس در سطح کوچک» مقابل «قراردادن سطح گسترده‌ای برای لشکریان یزید»، «جداشدن دودست حضرت عباس»، «زخم حاصل از ضربت شمشیر بر فرق سر ایشان» و نمونه ارزش بیانی مثبت همانند: «در کنار هم قرار گرفتن این دوشخصیت». کاشی‌نگار با

بازتولید ارزش‌های بیانی خود از طریق طرح‌های طبقه‌بندی تصویری، نظام‌های ارزشیابی خود را شکل می‌دهد. این گونه ایدئولوژی متضاد، ارزش‌های متفاوت را در گفتمان‌های مختلف به تصویر درمی‌آورد. در متن مقصد جمع ارزش‌های بیانی برای اهداف اقناعی خاصی مدنظر کاشی‌نگار بوده است. ارجاعات ایدئولوژی متضاد از طریق ارزش‌های بیانی متفاوت به تصویر درآمده است (جدول ۲).

تحلیل توصیفی روابط معنایی موجود در ارزش‌های تجربی گزینش عناصر تصویری (هم‌معنایی، شمول معنایی، تضاد معنایی)

برای تحلیل این مرحله به بررسی جایگاه عناصر تصویری جایگزین کلمات متن مبدأ می‌پردازیم. کاشی‌نگار برای جایگزین عناصر نسبت به کلمات روایتگر متن مبدأ از تضاد معنایی استفاده کرده است. برای مثال: فاصله امام حسین و حضرت عباس در متن مبدأ در تضاد با نزدیکی امام و حضرت عباس در متن مقصد؛ وجود رود فرات در متن مبدأ در قالب واژگان در تضاد با فضای بدون رود در متن مقصد قرار گرفته است. اشاره به شهادت حضرت عباس در متن مبدأ در حد کلماتی چون «زخم فراوان» آمده است که در تضاد با عناصر متن مقصد است؛ چون دودست جداشده از بدن حضرت عباس، زخم شمشیر در فرق سرشان و اشاره به کلاه خود درآمده و سپرافتاده بر زمین دارد. اشاره به قاتل حضرت عباس در متن مبدأ، در تضاد با اشاره نکردن تصویری برای قاتل ایشان در متن مقصد است. هنرمند از بعضی واژه‌سازی‌های افراطی و پنهان‌سازی‌های عناصر در متن مقصد استفاده کرده است (جدول ۳).

تحلیل توصیفی استعاره‌های موجود در ارزش‌های تجربی در گزینش عناصر تصویری متن مقصد

استعاره، گونه‌ای ابزار برای نمایاندن بخشی از تجربه مطابق بخش دیگری از آن است (Fairclough, 2013: 9-20). کلیه ابعاد تجربه در گفتمان می‌تواند خود بازنمایی استعاره‌ای باشد. بازنمایی استعاری مسائل اجتماعی به صورت گوشه‌گیری و تنها ماندن، کوچک‌بینی و ظلم، بدین صورت که در گفتمان حضرت عباس در کاشی‌نگاره به تصویر درآمده، امری معمول است. استعاره‌ها علائق مسلط جامعه را به صورت علائق کل در نظر می‌گیرند همانند: استعاره مناسب «جنگ» می‌تواند کشتار باشد. جنگ به عنوان اعتراضی پرسروصدا به همراه تقویت بعدی از جامعه و در مقابل تضعیف بعد دیگرش به کار می‌رود. استعاره مناسب برای بخشی از جنگ عاشورا تحت عنوان مبارزه حضرت عباس می‌تواند: استعاره‌ای از زندگی مقابل مرگ، قیام مقابل ظلم و بی‌عدالتی، فداکاری مقابل خیانت باشد. اما باید توجه داشت کدام استعاره مدنظر است؛ استعاره قربانی در نقل فاجعه بار رویداد عاشورا، و قربانی دانستن شهدای آن مورد نکوهش قرار گرفته است (مطهری، ۱۳۸۳: ۲۱-۲۳). استعاره‌ها اشاره به روش‌های گوناگون برخورد با امور دارند: بانحراف در دین و اخلاق و افراد ناشایست نمی‌توان با گفتگو برخورد کرد، شاید از طریق مقابله‌ای اجباری بتوان نسبت به جامعه با زبان بی‌زبانی اشاراتی کرد (بختیاری، ۱۳۸۸: ۱۱۸). مردم فریب خورده را بیدار کرد. پس ریشه فساد و تباهی



جدول ۲. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی ارزش های تجربی، رابطه ای و بیانی در گزینش عناصر، تکیه معاون الملک.

ارزش تجربی		ارزش رابطه ای		ارزش بیانی	
متن مبدأ	متن مقصد	متن مبدأ	متن مقصد	متن مبدأ	متن مقصد
شیوه های تجربی از دیدگاه راویان نزدیک به عاشورا	طرح ایدئولوژی مسلطی بر طبقه بندی رفتار	وجود ارتباط بین امام حسین و حضرت عباس با لشکریان یزید	وجود ارزش رابطه ای بین شخصیت ها با یکدیگر	تضاد برخوردی بین ارزش های بیانی از طریق طرح های طبقه بندی تصویری	تضاد برخوردی بین ارزش های بیانی
هم نشینی ایدئولوژی متضاد همانند لحن لعن و رضوان	واژه سازی افراطی هم نشینی و تعامل عناصر	مستقیماً مرتبط با ایدئولوژی خاصی در بستر نوع خاصی از گفتمان	تضاد برخوردی بین ارزش های بیانی		

در دین را بدون کمک و یاری یکدیگر نمی توان نابود کرد (جدول ۴).

تحلیل توصیفی فرآیندها و مشارکین مسلط ارزش های تجربی

جدول ۳. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی روابط معنایی موجود در ارزش های تجربی در گزینش عناصر تصویری، تکیه معاون الملک.

هم معنایی	شمول معنایی	تضاد معنایی
✓	×	×

جدول ۴. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی استعاره های موجود ارزش های تجربی در گزینش عناصر تصویری متن مقصد، تکیه معاون الملک.

بازنمایی استعاری	بازنمایی استعاری	بازنمایی استعاری
مسائل اجتماعی	علاقه مسلط جامعه به صورت علائق کل	بازنمایی استعاری اشاره به روش های گوناگون برخورد با امور
گوشه گیری و تهمانندن کوچک بینی و ظلم	زندگی مقابل مرگ قیام مقابل ظلم و بی عدالتی فداکاری مقابل خیانت	برخورد با انحراف در دین برخورد با انحراف اخلاق برخورد با افراد ناشایست

جدول ۵. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی فرآیندها و مشارکین مسلط ارزش های تجربی، تکیه معاون الملک.

فرآیندها و مشارکین				
کنش ها		رخدادها		
متن مبدأ	متن مقصد			
کنش پذیر	کنش گر	کنش پذیر	کنش گر	کنش پذیر
سپاه ابن سعد و مردی از بنی دارم، قاتلین: زید ابن ورقاء، حنفی و حکیم بن طفیل سنبل	امام حسین و حضرت عباس	سپاه ابن سعد و مردی که پشت به امام و حضرت عباس سوار بر اسب بدون قاتلین	امام حسین و حضرت عباس	مبارزه

گزینش عناصر تصویری، گزینش ساده خبری است. دو نوع فرآیند اصلی در این گفتمان وجود دارد: کنش ها، رخدادها. کنش مستلزم وجود دو شرکت کننده است: کنش گر و کنش پذیر، کنش گر برکنش پذیر عمل می کند (Fairclough, 2013: 78-80). در متن مبدأ سپاه ابن سعد و مردی از بنی دارم، زید ابن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سنبل کنش گر هستند، در حالی که امام حسین و حضرت عباس کنش پذیرند. تمام مشارکین جاندار هستند، کنش گران نیز جاندارند. در متن مقصد کنش گران موجود، شامل سپاه ابن سعد و مردی که پشت به امام و حضرت عباس سوار بر اسب است، به نظر می رسد مردی از بنی دارم است، بدون قاتلین حضرت عباس انتخاب شده اند. رخداد مورد نظر دارای مشارکین جاندار است. برای نشان دادن وجود رخداد کافی است بتوان به این پرسش پاسخ گفت که چه اتفاقی افتاده است؟ مبارزه ای رخ داده است. پس نشانگر وجود یک رخداد است. پرسش بعد فاعل چه کرد؟ فاعل که هم امام حسین و هم حضرت عباس را شامل می شود، در برابر این مبارزه دفاع کردند. پس بیانگر کنش است. امکانات ایدئولوژیک، انتخاب بین فرآیندها را نشان می دهند. بازتولید مرگ با شهادت حضرت عباس در این گفتمان به صورت کنشی با کنش گران مشخص شده در متن مبدأ و مشخص نشده در متن مقصد، به صورت یک رخداد یا یک حالت وصفی، انتخاب هایی کاملاً واضح هستند؛ جدا شدن دودست حضرت عباس و ضربت خوردن ایشان به صورت یک رخداد یا کنشی از طرف کنش گران، به همین صورت تعریف می شود. این انتخاب ها برای برجسته سازی یا زمینه سازی برای کنش گران امکان دارد منسجم، خود به خود و مبتنی با عقل سلیم و ایدئولوژیک باشند (Van Dijk, 2013: 110-135). یا اینکه نوعی سیاست آگاهانه برای تحت تأثیر قرار دادن اذهان مردم باشد؛ اما غیبت کنش گر اصلی در شهادت حضرت عباس مورد توجه است. اینجا کنش گر مطرح نیست بلکه کنش به وجود آمده مطرح است. در متن مقصد کنش گر بزرگ که سپاه ابن سعد در نظر گرفته شده بدون وجود دو کنش گر اصلی مسئول شهادت حضرت عباس: زید ابن ورقاء حنفی و حکیم بن طفیل سنبل، بازتولید شده که می تواند نشان از انگیزه های



جدول ۶. مطالعه تحلیلی سطح توصیف فر کلاف، تحلیل توصیفی معلوم و مجهول بودن ارزش‌های تجربی گزینش عناصر، تکیه معاون الملک.

متن مقصد			متن مبدأ		
کنش گراصلی	فرایند کنش	کنش‌پذیر (حضرت عباس)	کنش گراصلی	فرایند کنش	کنش‌پذیر (حضرت عباس)
مجهول	مجهول	معلوم	معلوم	معلوم	معلوم

مبارزه حضرت عباس مدنظر است. فعالیت این مبارزه، حرکت به سمت رودفوات باهدف رفع تشنگی، باتوجه به روایت متن مبدأ است. در متن مقصد، روایت عاشورا به همراه روایت حضرت عباس بازتولید شده است. فعالیت مدنظر کاشی نگار شهادت ایشان است. هدف از این بازتولید شناخت و معرفت کامل و یقین نسبت به مقام ولایت و فداکاری در راه ولایت است. شخصیت‌های درگیر ماجرا، در متن مبدأ، از یک طرف امام حسین با ارزشی پررنگ‌تر از حضرت عباس و در طرف دیگر سپاه ابن سعد، مردی از بنی دارم است. در مبارزه دوجایگاه وجود دارد: حمله کننده و دفاع کننده. نهاد اجتماعی، تعیین کننده هویت اجتماعی فاعلانی است که در چارچوب مبارزه عمل کنند (Van Leeuwen, 2009: 277-292). در این مبارزه ما با امام حسین، حضرت عباس، سپاه ابن سعد و مرد بنی دارمی مواجهیم. مرد بنی دارمی، قاتل حضرت عباس و مسئول ضربت خوردن امام حسین هست؛ اما در برابر پاسخ به این سؤال در متن مقصد، هم امام حسین و هم حضرت عباس با ارزشی برابر و در طرف دیگر سپاه ابن سعد، مردی سوار در جهت مخالف به موقعیت امام و حضرت عباس داریم. دوجایگاه مبارزه برگرفته از متن ابومخنف با اندکی تغییرات چون: حمله کننده که سپاه ابن سعد باید در نظر گرفته شود، در متن مقصد در بالای کادر با عناصری بزرگ‌تر از جایگاه دفاع کننده که امام حسین و حضرت عباس هستند، در نظر گرفته شده، اما بدون توجه به دوجایگاه در مبارزه بازتولید شده است. هیچ کدام از اعضای این دو جایگاه چه حمله کننده و چه دفاع کننده کنشی را انجام نمی‌دهند. در حالی که در متن مبدأ ما با کنش دوطرفه مواجهیم. نهاد اجتماعی تعیین کننده هویت اجتماعی، در متن مبدأ، یزیدیان و حسینیان در نظر گرفته شده است. هردو گروه در جایگاهی دوبعدی (قاتل، مقتول) قرار دارند. در متن مقصد نیز این جایگاه با بازتولید در سطح تصویر به صورت عناصر بزرگ و کوچک در نظر گرفته شده است. روابط میان آن‌ها، در متن مبدأ، و از نظر یزید و سپاهیان ابن سعد، بیعت گرفتن در چارچوب رسمی بسیار مهم‌تر از ابراز همدلی و انسان دوستی و رفع عطش اهل بیت است، پس با بیعت می‌دهند و یا کشته می‌شوند. حال این که در متن مقصد، به جایگاه ارزشمند انسانی و همدلی بیشتر توجه شده و با بازتولید عناصری مانند، در آغوش گرفتن حضرت عباس توسط امام حسین، نقش ارزشمند این ارزش انسانی بازتولید شده است. نقش زبان در این ماجرا، ابزاری برای دادوستد اطلاعات است؛ اطلاعاتی که برای فهم عامه، از این روایت تاریخی، چه در متن مبدأ و چه در متن مقصد در نظر گرفته شده است. این گونه اطلاعات در متن مبدأ از طریق برقراری رابطه با فاعلان حاضر در واقعه عاشورا و سؤال و پاسخ در جایگاه مصاحبه کننده و صدق اطلاعات،

ایدئولوژیک داشته باشد. کنش گری به کل سپاه اسناد داده شده که رخداد عاشورا را کنترل می‌کنند (جدول ۵).

تحلیل توصیفی معلوم و مجهول بودن ارزش‌های تجربی گزینش عناصر

وجود شخصیت اصلی کنش‌پذیر (حضرت عباس) به صورت معلوم بازتولید شده، اما فرایند کنش به وجود آمده نسبت به حضرت عباس به صورت مجهول بازتولید شده است. فرایند شهادت حضرت عباس توسط دوتن که در متن مبدأ نام برده شده (مجهول)، فرایند ضربت خوردن امام حسین توسط مردی از بنی دارم با تیری در چانه امام (مجهول). ما با حذف کنش گران اصلی مواجه هستیم اما کنش‌پذیرها به صورت معلوم بازتولید شده‌اند. ممکن است اطلاعات در جامعه دوران قاجار به این صورت ارائه شده باشد و یا در پرده ابهام قراردادن کنش گران اصلی و تعمیم آن به کل خبر از ایدئولوژی خاصی دهد (جدول ۶).

تحلیل توصیفی سه وجه اصلی ارزش‌های رابطه‌ای در گزینش عناصر

سه وجه اصلی شامل: خبری، پرسشی دستوری و امری می‌باشند (Stockwell & Whiteley, 2014: 1-660). در این کاشی نگاره از وجه خبری در بازتولید روایت عاشورا استفاده شده است. در باب وجود وجهیت رابطه‌ای در بازتولید روایت عاشورا با این سؤال آغاز می‌کنیم که آیا اقتدار در این روایت وجود دارد؟ اگر هست جهت اقتدار به کدام سمت گرایش دارد؟ سمت مشارکت کنندگان منظور است. در این صورت ما می‌توانیم از وجه رابطه‌ای مطمئن شویم. اقتدار و قاطعیت در عناصر سپاه ابن سعد بازتولید شده است. توانایی برای شهادت حضرت عباس در سپاه ابن سعد نشان دهنده وجهیت رابطه‌ای است. الزام برای بیعت گرفتن و صبر سپاهیان در برابر اهل بیت صراحتاً در بازتولید کاشی نگاره بیان نمی‌شود. این اقتدار ضمنی و شبکه‌های قدرت ضمنی است که وجهیت رابطه‌ای را به موضوعی جهت مطرح کردن علائق ایدئولوژیک تبدیل می‌کند.

تحلیل تفسیری متن مقصد: بافت موقعیتی گفتمان حضرت عباس

پاسخ به چهار سؤال مرتبط با چهار بعد اصلی مضمون کاشی نگاره به روشن شدن ماجرا کمک می‌کند. ماجرا چیست؟ چه کسانی درگیر آن هستند؟ روابط میان آن‌ها چیست؟ نقش زبان در خصوص روشن شدن ماجرا چیست؟ ماجرا، مبارزه‌ای تحت عنوان عاشورا، قسمت مربوط به

به‌جز تیرگی و مقابله در برابر یکدیگر چیزی نبود. پس نوع گفتمان شیعی اواخر قاجار، انتقادی، انتقاد از موقعیت به وجود آمده در ایران توسط حکومت بود. موقعیت تکیه معاون‌الملک، محل عبور زائران به کربلا بود. روحانیت این تکیه را محل توسل به امامان شیعی قرار داده بودند. موقعیت شکل‌گیری کاشی‌کاری‌ها در زمان احمدشاه، زمان آشفته‌گی‌های سیاسی و اجتماعی بود. نظم اجتماعی و نظم گفتمان شیعی وابستگی تامی به فتوای روحانیت داشت و روحانیت قانون‌دور بود. مردم ارتباط نزدیکی با روحانیت داشتند. روحانیت با همراهی مردم، مبارزات مردمی را علیه نفوذ سیاسی کشورهای استعمارگر انگلیس، روسیه و... رهبری کردند و مذهب به‌عنوان یکی از پایگاه‌های قدرتمند اجتماعی مطرح شد. نظم گفتمان شیعی در مواجهه با مردم بر چهار محور تکیه داشت: ۱. تقلید، ۲. پیش‌نمازان مساجد، ۳. خطبای منبری، ۴. کتب چاپ‌سنگی. گفتمان شیعی در مواجهه با حکومت هم بر سه محور تکیه داشت: ۱. فشارهای مردمی از طریق برانگیختن احساسات آنان، ۲. برخورد مستقیم از طریق صدور بیانیه و موضع‌گیری و ۳. تأکید بر مظلومیت علمای دین در برابر زورگویی‌های دستگاه حاکم و پایداری در برابر این اقدامات. مظلومیت در طول تاریخ تشیع سلاح کارآمدی در برخورد با دشمنان بوده است؛ زیرا تمام مظلومان و ستم‌دیدگان را در یک محور جمع می‌کند و سیاست زورگویانه دستگاه حاکم نیز بر تحکیم این محور و افزایش قدرت بالقوه انفجاری آن می‌افزاید (آذر شب، ۱۳۸۳: ۷۱-۸۶). ایدئولوژی شیعی زیربنای تولید گفتمان شیعی بود. موقعیت تکیه می‌طلبید که گفتمان شیعی بازتولید روایت عاشورا را از هنرمند کاشی‌نگار تکیه طلب کند تا بتواند از حمایت مردمی برخوردار شود. در این کاشی‌نگاره حضرت عباس و امام حسین در شرایط دشواری قرار دارند. سپاه ابن‌سعد همچون سدی مقابل این دونفر قرار گرفته است. مردم در این بافت موقعیتی، در عین حال که مجبورند در این شرایط نابسامان زندگی کنند، باید از هویت دینی خود دفاع کنند. پس ناچارند یا تأثیرات بیگانگان را بپذیرند و خود را با آن هماهنگ کنند یا اینکه مقابل آن بایستند و هویت شیعی خود را به قدرت برسانند. البته راه سومی هم هست، بین هویت بیگانه و هویت شیعی خود سرگردان بمانند و با علاقه یا بی‌علاقه، تن به خدمت بیگانگان بدهند. بافت موقعیت قدرتمندی برای سپاه ابن‌سعد در کاشی‌نگاره در نظر گرفته شده است. غیر از سپاهیان ابن‌سعد که قدرت بیشتری نسبت به امام و حضرت عباس دارند، امام و حضرت عباس در موقعیت یکسانی به تصویر کشیده شده‌اند. موقعیت حضرت عباس در نهایت مظلومیت نسبت به امام حسین بازتولید شده است.

تحلیل تفسیری متن مقصد: بافت بینامتنیت گفتمان حضرت عباس با توجه به متن مبدأ

در بازتولید روایت عاشورا کاشی‌نگاره، مهم‌ترین رابطه بینامتنیت را در دو متن می‌توان، تاریخ در نظر گرفت. در رابطه بینامتنیت تاریخی متن مبدأ، از تاریخ دست‌اول طبق ادعای هگل که گزارش گواهان عینی رویداد عاشورا استفاده شده است. در رابطه بینامتنیت تاریخی بازتولید روایت حضرت عباس در متن مقصد، از تاریخ اندیشه گرایانه و تاریخ فلسفی

صورت گرفته، در حالی که در متن مقصد این گونه اطلاعات از طریق نشستن پای‌منبر روحانیت در اماکن مذهبی، در روز عاشورا به‌دست می‌آید. در متن مبدأ، زبان به‌صورت نوشتار، ابزاری در جهت کسب اطلاعات از شاهدان این واقعه استفاده شده است. هدف از نگارش و تدوین مقتل‌نامه‌ها در تاریخ‌نگاری اسلامی، ثبت اخلاص و ایثار مردان حق است (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۲). در حالی که در متن مقصد زبان، ابزاری در جهت تحقق‌بخشیدن به یک هدف نهادین و گسترده‌تری به‌کاررفته است. فرکلاف به بدیهی‌شدن کسب اطلاعات (تعقل و مصاحبه با شاهد یا نشستن پای‌منبر روحانیت بدون تعقل و مطالعه پژوهش‌های قبل) اشاره کرده که نه تنها ژانر را معین کرده بلکه نحوه ارتباط را تعیین می‌کند (Van Leeuwen, 2009: 280). ژانر نوشتار کتاب ابومخنف که بر مبنای حقیقت و اطلاعات در دسترس از افراد قابل اعتماد نوشته شده، در حالی که ژانر کاشی‌نگاره، بدون توجه به متن مبدأ، همراه با بی‌سوادی و کم‌اطلاعی افرادی که وظیفه تبیین روایت را داشتند و به‌ویژه برخورد احساسی و عاطفی با بازتولید روایت و یا حتی ایدئولوژی‌های سیاسی خاص دوران قاجار، استفاده ابزاری و مادی از روایت، وجود مستعینی که اهل مطالعه و پژوهش نبودند، موجبات بسیاری تغییرات این روایت در ابعاد گسترده اجتماع شد (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۳)، (رجائی نژاد و بارانی، ۱۳۹۶: ۷۳-۹۶)، (نجفی‌زیدی و صحتی‌سردودی، ۱۳۸۷: ۲۳-۴۶) و (Mervin, 2009: 978-964). کاشی‌نگار نیز با اطلاعات شنیداری حاصل از جلسات مفسرین بی‌دقت (نائینی، ۱۳۲۷: ۱-۱۷۶) و تغییراتی که حاصل از قدرت تخیلات و ذهنیت او بوده به بازتولید روایت حضرت عباس پرداخته است. نحوه ارتباط با روایت در متن مبدأ مستقیم و در متن مقصد، غیرمستقیم است. روایت در متن مقصد با پیچیدگی‌هایی در بازتولید واقعیت شخصیت‌ها و حوادث جاری در نظر گرفته شده که می‌تواند بیانگر میزان کنترل نهاد سفارش‌دهنده اثر (معین‌الریایا) در ایجاد بعد جدیدی از روایت مدنظر و یا حتی ایدئولوژی خاصی باشد (اسکارچیا، ۱۳۸۴: ۱۲). فرکلاف برای اشاره به کل فرآیند تعامل اجتماعی از اصطلاح گفتمان استفاده می‌کند که متن فقط بخشی از آن است. در اینجا گفتمان شیعی وجود دارد که نظارت بر اطلاعات در سطح جامعه دارد. هر گفتمان محدودیت‌های خاصی را بر محتوا، فاعلان و روابط نیز بر معناهای تجربی، بیانی، رابطه‌ای که از طریق گفتمان مطرح، امکان بروز یافته‌اند را اعمال می‌کند. ابعاد گفتمان شیعی اواخر قاجار را؛ محتوا (چیستی ماجرا)، فاعلان (افراد درگیر) و روابط (مناسبات میان فاعلان)، تعیین می‌کند. شرایط اجتماعی و سیاسی حاکم بر جامعه ایران قاجار، روابط با استعمارگران و تاجران بیگانه، زیر سؤال رفتن مشروعیت، عدم ارتباطات حسنه با علما، بی‌کفایت‌تر شدن پادشاهان، فاصله گرفتن از مردم، به خطر افتادن منافع ایرانیان، تجزیه شدن کشور ایران به واحدهای کوچک‌تر، ناتوانی در ایجاد نظم در کشور مخصوصاً دوره محمدعلی شاه با به توپ بستن و تبعید و کشتن آزادیخواهان، مبارزات و شورش‌های مردمی علیه مناسبات قدرت هست که زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فاعلان قیام‌های اواخر قاجار شامل: دو گروه حکومت و روحانیت (علما) + ملت بود. روابط بین فاعلان در این بافت اجتماعی،



جدول ۷. مطالعه تحلیلی سطح تفسیر متن مقصد باتوجه به متن مبدأ.

بافت موقعیتی گفتمان حضرت عباس				بافت بینامتنیت گفتمان حضرت عباس باتوجه به متن مبدأ			
متن مبدأ		متن مقصد		تاریخ			
عنوان	هدف	فعالیت	عنوان	هدف	فعالیت	عنوان	هدف
مبارزه حضرت عباس	رفع تشنگی	حرکت به سمت رودفرات	مبارزه حضرت عباس	بازتولید شهادت	شناخت و معرفت کامل و یقین نسبت به مقام ولایت و فداکاری	تاریخ دست‌اول گزارش گواهان عینی واقعه عاشورا	تاریخ اندیشه گرایانه و تاریخ فلسفی غیرواقعی (روضه الشدا)

(روضه الشهداء) که جزو تاریخ دست‌اول نیست، استفاده شده است (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۴). طبق ادعای مطهری درخلق این تغییرات، علاوه بر گویندگان، علما و ملت هم مقصر بودند (مطهری، ۱۳۸۳: ۱۸). متأسفانه طبق ادعای حاج میرزا حسن نوری مرکز روضه‌های دروغ در کربلا، نجف و ایران؛ یعنی مراکز تشیع تجمیع شده بود (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۳۴). در متن مقصد به دلیل کاربرد مذهبی و آیینی موقعیت تکیه، واعظین و مداحان از کتب مقاتل به‌ویژه روضه الشهداء، استفاده زیادی کردند. در نتیجه هنرمندان برای به تصویر کشیدن مکتوبات از نمایش تصویری مطالب نقل شده استفاده می‌کردند (عسگری، ۱۴۰۰: ۱۵۵). باتوجه به اینکه روضه الشهداء از نخستین مقاتل فارسی محسوب می‌شود، اصالتاً کتابی تاریخی نیست. میرزا عبدالله افندی اصفهانی اکثر روایات این کتاب؛ بلکه همه آن را مأخوذ از کتب غیرمشهور و غیرقابل اعتماد می‌داند (افندی اصفهانی و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۳۱). شهید مطهری به این اثر ایراد گرفته و آن را پر از دروغ می‌خواند و تألیف آن را مانع مراجعه به منابع اصلی و مطالعه تاریخ واقعی امام حسین می‌داند (جدیدی، ۱۳۹۹: ۲۴۰). جان‌مایه اندکی بازتولید شده اما انتقال ساختار و چارچوب کلی متن مبدأ رعایت نشده است. نوع گزینش عناصر، متفاوت از متن مبدأ جهت برجسته‌سازی قسمتی از متن و پنهان‌سازی قسمت دیگر است. بازتولید مظلومیت در متن مقصد کل روایت حضرت عباس را تحت الشعاع قرار داده است. بنابراین هنرمند در گزینش عناصر روایت حضرت عباس باتوجه به متن مبدأ، فراتر رفته، نظم اجتماعی و ایدئولوژی حاکم بر جامعه را دخیل کرده و حمایت مردمی را طلبیده است. تنهایی ائمه در برابر بزرگی توده سپاه دشمن، انسان دوستی، نیاز و... همه در بازتولید این روایت استعاره‌ای از هدف گفتمان شیعی است (جدول ۷).

تحلیل سطح تبیین: بازتولید گفتمان حضرت عباس

تشخیص آثار گفتمان حضرت عباس بر نهادهای اجتماعی و مردم هدف این سطح است. مؤلفه‌های گفتمان شیعی قاجار در بازتولید تصویری عناصر متن مقصد تأثیرگذار بوده است. کاشی‌نگار به بازتولید تصویری گفتمان حضرت عباسی می‌پردازد که در ایران توسط گفتمان شیعی قاجار تولید شده بود. کاشی‌نگار باتأیید ضمنی صحت روایت حضرت عباس توسط گفتمان شیعی (واعظین، گویندگان، علما و روحانیت)، به توجیه مظلومیتی می‌پردازد که دامان حضرت عباس را گرفته است. هنرمند با این توجیه که

استعمارگران و بیگانگان، دیر یا زود ایران را به اشغال در خواهند آورد و مردم با مظلومیت و تنهایی ایشان نمی‌توانند جلوی نفوذ این گروه‌ها را بگیرند، سعی در توجیه دانش خود و آگاهی‌دادن به مردم، از طریق تأیید این روایت با نشستن پای منابر گفتمان شیعی، مناسبات اجتماعی، جلسات، روضات و... می‌کند و به این ترتیب به بازتولید گفتمان حضرت عباس می‌پردازد. اعتماد مردم و به‌ویژه هنرمند به گفتمان شیعی که پر قدرت خود را نشان داد، موجب تأیید این روایت شد. کاشی‌نگار مجبوره تأمل درباره موضوعی می‌شود که اگر موفق به توسل ائمه و برانگیختن احساسات توده مردم شود؛ پس در نجات دین خود سهیم بوده و مظلومیت ائمه را نشانی از مظلومیت جامعه دانسته و مسئله ولایت نائبان امام و سرخ‌اصلی روایت می‌شود که در فرآیند تغییرات در بازتولید تصویری روایت مورد توجه قرار می‌گیرد. گفتمان شیعی از حکومت بی‌اقتدار و مظلومیت مردم عذاب می‌کشد، پس حکم به بازتولید روایت عاشورا در بافت‌های مختلفی می‌دهد که کاشی‌نگار یکی از این پایگاه‌هاست. گفتمان شیعی برای تسهیل حضور خود و جلب اعتماد مردم، به‌ویژه در عرصه سیاست در کشور ایران، (کربلا و نجف که پایگاه‌های شیعی بود)، به دنبال ایجاد گفتمانی هم‌سو با منافع خود بود. استفاده ابزاری و مادی از روایت عاشورا به‌ویژه بازتولید مظلومیت گفتمان حضرت عباس با عناصر تصویری چون: دستان جدا شده از بدن برای رفع نیاز به آب، همراه می‌شود.

رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت

بازتولید تغییرات گفتمان حضرت عباس متن مقصد که به تدریج از سوی گفتمان شیعی ایرانی در جامعه ایرانی به‌وجود آمد، موجب ایجاد گفتمانی انتقادی بود. شیوع برخی انحرافات، تغییرات در روایت گفتمان حضرت عباس، در میان توده مردم از تأثیرات ورود گفتمان شیعی ایرانی به عرصه سیاسی جامعه بود؛ هم‌چنین دل‌کندن شخصیت‌های شیعی از گوشه‌نشینی و روی آوردن به قیام‌ها، مبارزات، از جان‌گذشتن‌ها و تسلیم شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی نشدن، حضور پررنگ روحانیت بین مردم و گوش به فرمان بودن مردم توسط گفتمان شیعی، توسل به حضرت عباس و امام حسین که در جریان مبارزات ناخواسته با مظلومیت و تنهایی به تصویر کشیده شدند، احساسات مردمی را هدف قرار دادن، از تأثیرات تغییرات در بازتولید گفتمان حضرت عباس است که در آینده، جامعه و افراد آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد. گفتمانی که



جدول ۸. مطالعه تحلیلی سطح تبیین متن مقصد باتوجه به متن مبدأ.

رابطه گفتمان حضرت عباس و مناسبات قدرت	بازتولید گفتمان حضرت عباس
ایجاد گفتمانی انتقادی و ضداستعماری	تأیید ضمنی صحت روایت حضرت عباس توسط گفتمان شیعی در ذهن هنرمند
ایجاد تغییرات و انحرافات که از تأثیرات ورود گفتمان شیعی ایرانی به عرصه سیاسی جامعه	وجود استعمارگران، بیگانگان در ایران
تأثیرات تغییرات در بازتولید گفتمان حضرت عباس در جامعه ایران	ناتوانی مردم در کنترل استعمارگران با تأکید بر ولایت و مظلومیت
دل‌کندن شخصیت‌های شیعی از گوشه‌نشینی، روی آوردن به قیام‌ها، مبارزات، از جان گذشتن‌ها و تسلیم شرایط نامساعد اجتماعی و سیاسی نشدن، حضور پررنگ روحانیت بین مردم و گوشه به فرمان‌بودن مردم توسط گفتمان شیعی، توسل به حضرت عباس و امام حسین که در جریان مبارزات ناخواسته با مظلومیت و تنهایی به تصویر کشیده شدند، مسئله ولایت نائبان امام، احساسات مردمی را هدف قرار دادن.	نشستن پای منابر گفتمان شیعی، مناسبات اجتماعی، جلسات، روضات
	اقدام به بازتولید گفتمان حضرت عباس بدون در نظر گرفتن صحت مطالب
	اعتماد مردم و به‌ویژه هنرمند به گفتمان شیعی
	مظلومیت ائمه، نشانی از مظلومیت جامعه، ولایت نائبان امام
	حکومت بی‌اقتدار قاجار
	استفاده ابزاری و مادی از روایت عاشورا به‌ویژه بازتولید مظلومیت گفتمان حضرت عباس

مشکلاتی همچون نادیده گرفتن تأثیر ساختارهای گفتمان‌مدار متن مبدأ را به وجود می‌آورد؛ بنابراین با به کارگیری این رویکرد علاوه بر سطح توصیف عناصر تصویری کاشی‌نگاره، به تحلیل، تفسیر و تبیین بافت موقعیتی و اجتماعی بازتولید روایت گفتمان حضرت عباس تکیه معاون‌الملک پرداختیم و رابطه زبان متن مبدأ و مقصد را با ساختارهای خاصی که موجب طبیعی‌شدگی ایدئولوژیک زبان مقصد شد، ارزیابی کردیم. سعی بر آن داشتیم تا با تحلیل عناصر تصویری بافت گفتمانی و موقعیتی متن مقصد و انتخاب‌های کاشی‌نگار باتوجه به متن مبدأ، ایدئولوژی و گفتمان ناظر بر این بازتولید را با استناد به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی روشن‌مند کنیم. در پاسخ به سوالات پژوهش می‌توان اذعان داشت، مضمون کاشی‌نگاره، در تقابل با اندیشه و گفتمان استعماری حکومت قرار گرفته است. کاشی‌نگار برای نشان دادن تقابل در جامعه، با درآمیختن روایت حضرت عباس به همراه واقعیت در خیال، بی‌توجهی به اصل روایت، جنبه‌هایی از زندگی حضرت عباس را بازتولید کند. حضرت عباس، قهرمان مبارزه با استعمارگران چه داخلی و یا خارجی (روس و انگلیس و...) نماد کامل مبارز در قالب انسانیت مطلق، سازش‌ناپذیر، مصمم و جدی است. سپاه ابن سعد و مرد بنی‌دارمی به دلیل خیانت به دین و شیعیان، ضدقهرمان مطلق هستند و تقابل اینان با امام حسین و حضرت عباس در واقع تمثیل و جلوه‌ای از تقابل میان گفتمان شیعی و گفتمان استعماری حکومت؛ تقابلی از وطن‌پرستی و خیانت به آن و هم‌چنین ایران، نماد جامعه سنتی و شیعی است که بی‌تفاوتی به آن نماد نادیده‌انگاشتن مذهب، سنت و خروج از زندگی با اندیشه شیعی است که به سمت غرب‌زدگی و وابستگی به استعمار پیش می‌رود. در کاشی‌نگاره تکیه معاون‌الملک، گفتمان حضرت عباس در قالب رفتار و گفتار شخصیت حضرت عباس و امام حسین تولید و بازتولید می‌شود که با توجه به متن اصلی روایت با تغییراتی همراه است. در قالب گفتمان حضرت عباس برخی از رفتارهای اجتماعی مانند: روحیه تعقلی و جست‌وجو برای اصل‌بودن منبع، اعتماد مطلق‌نداشتن و تقلدنبودن، برعکس شده و جای خود را

در روایت حضرت عباس بازتولید می‌شود گفتمانی انتقادی و ضداستعماری است که سعی در نفی استعمار و نشان دادن چهره حکومت دارد. برای مثال در کاشی‌نگاره بازتولید تصویری تنهایی و مظلومیت حضرت عباس و امام حسین، اعمال فجیع و قتل‌های استعمارگران و حکومت غافل را نشان می‌دهد؛ برجسته‌سازی‌ها (نسبت‌اندازه امام حسین و حضرت عباس و سپاه ابن سعد) و پنهان‌شدگی‌ها (اصل ماجرا) آشکار می‌شود. سراسر متن مقصد، عرصه تقابل دو گفتمان برجسته در ساحت ایرانی کرمانشاه است؛ یکی گفتمان شیعی که در پس گفتمان حضرت عباس قرار گرفته و براساس هویت ایرانی اسلامی است و دیگری گفتمان استعماری حکومت است. تقابل خیانت به دین، وطن و فداکاری برای آن، تعهد و بی‌تعهدی، دوستی، دشمنی و... همگی فضای گفتمان حضرت عباس در متن مقصد را در هیجانی تقابلی فروبرده است. کاشی‌نگار سعی کرده تا روابط قدرت را در گفتمان‌های حضرت عباس، استعماری، هویت ایرانی اسلامی نشان دهد و با ایجاد فضای تقابلی، مبارزات خود را با گفتمان غالب یعنی گفتمان استعماری، به صورت علنی نشان دهد. کاشی‌نگار پیوسته تلاش کرده است، گفتمان حاکم را رد و گفتمان حضرت عباس و هویت ایرانی اسلامی را تثبیت کند (جدول ۸).

نتیجه‌گیری

این پژوهش، با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی زبان بصری کاشی‌نگاره واقعه عاشورا تکیه معاون‌الملک را هم‌چون عملی اجتماعی در ارتباط با عناصر فرازبانی و روابط قدرت مشارکان در سطح گفتمان بصری مورد مطالعه قرار داد تا تغییرات ساختاری روایت حضرت عباس باتوجه به مقتل ابومخنف شناسایی شود. بر این اساس با هدف شفاف‌سازی گفتمان و اشارات ضمنی پنهان تلاش شد تا به پرسش‌های پژوهش که در پی شناخت گفتمان‌های موثر در تغییر ساختار روایت عاشورا و فرآیند بازتولید روایت حضرت عباس بود، پرداخته شود. پس از بررسی یافته‌های حاصل از دومین مبدأ و مقصد مشخص شد که باتوجه به رویکرد نورمن فر کلاف چگونه تحریفات زبان‌شنیداری گفتاری در فرایند بصری‌سازی نمایان می‌شود و



ربانی زاده، سید محمد رحیم و محمد زاده، سید حسام (۱۳۹۹)، نقد کتاب تحول گفتمانی در گزارش واقعه کربلا با رویکرد گفتمانی لاکلاو و موفه، پژوهش نامه انتقادی متون و برنامه های علوم انسانی، ۲۰ (۱)، ۱۲۷-۱۴۹.

<https://doi.org/10.30465/crtls.2020.5041>

رجائی نژاد، محمد و بارانی، محمد رضا (۱۳۹۶)، علمای شیعه لبنانی و اصلاح فرهنگ عزاداری بازتابی از اصلاح طلبی علمای ایرانی با تکیه بر کتاب مبارزه علمای اصلاح طلب لبنان با تحریفات عاشورا، شیعه پژوهی، ۱۳ (۴)، ۷۳-۹۶. magiran.com/p1865515

شیرزادی، آتنا؛ درویشی، محمد و بکائیان، داود (۱۴۰۰)، ارتباط موضوع و رنگ در کاشی نگاره های عاشورایی تکیه معاون الملک کرمانشاه، فصلنامه نگره، ۱۶ (۵۷)، ۵-۲۳. doi: 10.22070/NEGAREH.2021.5507.2509

شهبازی، سیاوش و شهبازی، سروش (۱۳۸۶)، تکیه معاون الملک جلوه گاه هنر مذهبی و حماسی و چهره های تاریخی ایران، کتاب ماه هنر، ۱۰۳ (۱)، ۴۶-۵۱. <https://ensani.ir/fa/article/90357>

طباطبایی، صالح (۱۳۹۱)، دانشنامه هنر و معماری ایرانی، تهران: فرهنگستان هنر.

عسگری، فاطمه و اقبالی، پرویز (۱۳۹۱)، تأثیر نقاشی قهوه خانه ای در ساختار اعلان های عاشورایی، جلوه هنر، ۴ (۱)، ۴۱-۵۸. doi: 10.22051/jjh.2012.6

فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها. شابک: ۶۵۳۹۷۸۹۶۴۶۷۵۷

مهدی آبادی، ملیحه و خدیوی، سیامک (۱۳۸۱)، تغییرات در معماری و تزئینات تکیه معاون الملک کرمانشاه، فصلنامه اثر، ۲۳ (۳۳ و ۳۴)، ۱۰۰-۱۴۵. <http://journal.richt.ir/athar/article1-212-fa.html>

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)، حماسه حسینی (جلد ۱)، قم: انتشارات صدا.

نائینی، محمد حسین (۱۳۲۷)، تنبیه الامه و تنزیه الملکه، مقدمه: سید محمود طالقانی، انتشارات شرکت سهامی انتشار.

نوروزی، نسترن (۱۳۹۶)، خوانش جامعه شناختی مضامین کاشی های تکیه معاون الملک، جامعه شناسی هنر و ادبیات، ۹ (۲)، ۲۱۳-۲۵۲. doi: 10.22059/jsal.2018.252082.665596

نجفی یزدی، سید محمد و صحتی سردرودی، محمد (۱۳۸۸)، تأمل در کتاب عاشورا پژوهی، پژوهش نامه حکمت و فلسفه اسلامی، ۲۸ (۸)، ۲۳-۴۶.

<http://noo.rs/FOjsD>

یار محمدی، لطف الله (۱۳۸۳)، گفتمان شناسی رایج و انتقادی، تهران: انتشارات هرمس. ۱۴-۱۶۶.

بختیاری، زهرا (۱۳۸۸)، تاریخ اسلام: فلسفه تاریخ یعقوبی، فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، ۴ (۲)، ۱۰۹-۱۲۲.

<http://noo.rs/NRbA2>

یوسفی غروی، محمد هادی (۱۳۸۰)، وقعه الطیف بازسازی مقتل ابو

به نا آگاهی اجتماعی و مقلد گفتمان شیعی بودن، بدون تفحص و تعقل، پذیرفتن بی چون و چرا و راضی بودن به رضایت گفتمان شیعی، می دهد. گفتمان انتقادی حضرت عباس در قالب کاشی نگاره و باز تولید تصویری آن در رفتار امام حسین و حضرت عباس، پیامدهای منفی استعمار بر جامعه را نشان می دهد. کاشی نگار با گزینش ساختار و عناصر تصویری خود، استفاده از نمادپردازی و معانی ضمنی و اشاره به قهرمانان شیعی، به خلق داستان خود پرداخت. بسامد این باز تولید و گزینش ها در روایت و نمادها، نشانگر وجود تغییراتی تازمان حاضر می باشد.

پی نوشت ها

1. Fairclough's Critical Discourse Analysis
2. Deborah Tannen
3. Michael Stubbs
4. Joanna Thornborrow
5. Zellig Harris
6. Teun A. Van Dijk
7. Norman Fairclough
8. Ruth Wodak

فهرست منابع فارسی

آذر شب، محمد علی (۱۳۸۳)، تاریخ صدساله روحانیت، ترجمه رضا بسطامی، زمانه مهر. شماره ۲۵، ۷۱-۸۶. <http://noo.rs/gwG7b>

اسکارچیا، جیان روبرتو (۱۳۸۴)، هنر صفوی، زند و قاجار (چاپ دوم)، ترجمه یعقوب آژند، مولی: تهران.

افندی اصفهانی، عبدالله بن عیسی بیگ؛ حسینی اشکوری، احمد و مرعشی، محمود (۱۴۰۱)، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء (جلد دوم)، به کوشش سید احمد حسینی، قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، <https://noo.rs/8YZGK>

امیر شجاعی، آناهیتا؛ عطارزاده، سارا و خلیلی زاده گنجعلی خانی، مرضیه (۱۳۹۳)، رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان در نقد ترجمه. National Conference on Language, Literature and Translation in Education, ۸ (۱۹)، ۷-۳۲.

پنجه باشی، الهه و فرهد، فرنی (۱۳۹۳)، مطالعه نقوش مذهبی در کاشی های تکیه معاون الملک، نگارینه هنر اسلامی، ۲ (۷)، ۱۵-۲۹. doi: 10.22077/nia.2017.742.1021

جدیدی، حمید رضا (۱۳۹۹)، نقش روضه شهدای کاشفی در گسترش تحریفات تاریخ عاشورا، فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)، ۱۳ (۴۷)، ۲۲۹-۲۵۸. <https://doi.org/10.30495/dk.2021.682096>

حسینی اجداد، سید اسماعیل و سیرتی مهر، فاطمه (۱۳۹۸)، تحلیل گفتمان انتقادی داستان گرگ یوسف بر اساس رویکرد فرکلاف. فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، ۴ (۱۳)، ۹-۳۴. doi: 10.22081/jrla.2019.55051.1229

خنیفر، حسین (۱۳۹۵)، اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی (جلد اول)، تهران: نگاه دانش. ۱۳۰-۱۳۶. شابک: ۹۶۴۱۵۷۳۴۶۲



فهرست منابع لاتین

- cial change. Cambridge: Polity, 1992. Pp. vii 259. *Language in Society*, 22(3), 421-424. doi:10.1017/S0047404500017309
- Fairclough, N. (2003). *Analyzing discourse: Textual analysis for social research*. London: Routledge.
- Fairclough, N. (2001). Critical discourse analysis as a method in social scientific research. *Methods of critical discourse analysis*, 5(11), 121-138.
- Fairclough, N. (2001). *Language and power*. Harlow: Longman.
- Fairclough, N. (2010). Critical discourse analysis: The critical study of language (2nd ed.). London: Longman.
- Mazid, B. M. (2014). CDA and PDA Made Simple: *Language, Ideology, and Power in Politics and Media*. United Kingdom: Cambridge Scholars Publisher. ISBN:9781443871709, 1443871702
- Fairclough, N. L. (1985). Critical and descriptive goals in discourse analysis. *Journal of pragmatics*, 9(6), 739-763. [https://doi.org/10.1016/0378-2166\(85\)90002-5](https://doi.org/10.1016/0378-2166(85)90002-5)
- Fairclough, N. (2013). A dialectical-relational approach to critical discourse analysis in social research1. In *Critical discourse analysis* (pp. 230-254). Routledge.
- Fairclough, N. (2013). *Critical discourse analysis*. In *The Routledge Handbook of Discourse Analysis*. (pp. 9-20)
- Van Dijk, T. A. (2013). *Ideology and discourse analysis*. In *The Meaning of Ideology*. Routledge. (pp. 110-135)
- Stockwell, P. & Whiteley, S. (Eds.). (2014). *The Cambridge handbook of stylistics*. Cambridge University Press.
- Van Leeuwen, T. (2009). *Critical discourse analysis*. Discourse, of course: An overview of research in discourse studies, 277-292.
- Mervin, S. (2009). مبارزه علمای اصلاح‌طلب لبنان با تحریفات عاشور. *Mobârzeh-ye'olamâ-ye eslâh talab-e Lobnân bâ tahrifât e'ashurâ*. Centre National de la Recherche Scientifique.
- Stubbs, M. (1983). *Discourse analysis: The sociolinguistic analysis of natural language* (Vol. 4). University of Chicago Press. ISBN:9780226778334, 0226778339
- Tannen, D. (Ed.). (1993). *Framing in discourse*. Oxford University Press, USA. ISBN:9780195079968, 0195079965
- Schiffrin, D. (1994). *Approaches to discourse* (Vol. 8). Oxford: Blackwell.
- Thornborrow, J. (1995). Deborah Schiffrin, Approaches to discourse. Cambridge, MA & Oxford: Blackwell, 1994. Pp. x+ 470. *Journal of Linguistics*, 31(1), 193-194. DOI: <https://doi.org/10.1017/S0022226700000700>
- Gee, J. P. & Green, J. L. (1998). Chapter 4: Discourse analysis, learning, and social practice: A methodological study. *Review of research in education*, 23(1), 119-169. <https://doi.org/10.3102/0091732X02300>
- Van Dijk, T. A. (1993). Principles of critical discourse analysis. *Discourse & Society*, 4(2), 249-283. <https://doi.org/10.1177/0957926593004002006>
- Wodak, R. (2011). Critical linguistics and critical discourse analysis. *Discursive pragmatics*, 8, 50-70.
- Zupnik, J. (1991). Norman Fairclough, *Language and power*. London: Longman. 1989 Pp. x 248. *Language in Society*, 20(2), 265-269. doi:10.1017/S0047404500016316
- Van Leeuwen, T. (2009). Critical discourse analysis. *Discourse, of course: An overview of research in discourse studies*, 277-292.
- Fairclough, N. (1992). Discourse and text: Linguistic and intertextual analysis within discourse analysis. *Discourse & Society*, 3(2), 193-217. <https://doi.org/10.1177/0957926592003002004>
- Frawley, W. (1993). Norman Fairclough, Discourse and so-